

## اختیارات وزنی

همان طور که دیدیم اختیارات زبانی تسهیلاتی در تلفظ واژه ها برای شاعر فراهم می‌آورد تا به ضرورت وزن از آن استفاده کند بدون آن که در وزن تغییری ایجاد شده باشد. در حالی که اختیارات وزنی این امکان را فراهم می‌آورد که شاعر تغییرات کوچکی در وزن شعر ایجاد کند. تغییراتی که گوش فارسی زبانان آن را زشت نمی‌یابد و عیب نمی‌شمارد.

اختیارات وزنی در ساده ترین نوع خود چهار نوع‌اند:

۱- بلند بودن آخرین هجای مصراع ها . هجای پایانی مصراع ها همیشه بلند به حساب می‌آید و با علامت (-) نشان داده می‌شود چه کوتاه باشد چه بلند ، چه کشیده . [ اگر آخرین هجای مصراع کشیده باشد (-) علامت هجای کوتاه را از آن حذف می‌کنیم تا فقط (-) بماند و اگر آخرین هجا ، کوتاه باشد علامت ( ) آن را حذف کرده به جای آن از علامت هجای بلند (-) استفاده می‌کنیم .

سرو را مانی ولیکن سرو را رفتار نه ماه را مانی ولیکن ماه را گفتار نیست.

سَرو | را | ما | نی | و | لی | کن | سَرو | را | رَف | تار | نه  
 -----  
 - - - - -

ما ه | را | ما | نی | و | لی | کن | ما ه | را | گف | تار | نیست  
 -----  
 - - - - -

همان طور که ملاحظه می‌کنید آخرین هجای مصراع اول کوتاه است و آخرین هجای مصراع دوم کشیده است ، اما در هر دو حالت از علامت هجای بلند (-) استفاده کرده ایم این نکته که قبلا هم به آن اشاره کرده بودیم از اختیارات وزنی است [ دوستانی که با عروض سنتی الفتی دارند ممکن است در این مورد با ما هم عقیده نباشند چون در عروض سنتی به این موضوع چنین برخورد نمی‌کنند ]

۲- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول اوزانی که با فعلاتن شروع می‌شوند . مثل:

--- | --- | --- | --- |  
 فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

--- | - - - | - - - |  
 فلاتن مفاعلن فعلن

و... شاعری تواند در رکن اول [ تاکید می‌کنم فقط در رکن اول ] به جای فعلاتن ( - - ) فاعلاتن ( - - ) بیاورد. البته بدیهی است که عکس قضیه درست نیست یعنی نمی‌تواند به جای فاعلاتن از فعلاتن استفاده کند به بیت زیر توجه کنید

یاد باد آن که زما وقت سفر یاد نکرد به وداعی دل غمدیده ی ما شاد نکرد

حافظ

یاد | با | دان | ک | ز | ما | وق | ت | س | قَر | یاد | ان | کرد  
 -----  
 - - - - -

ب | او | دا | عی | د | ل | غم | دی | د | ی | ما | شاد | ان | کرد

— ۰ ۰ — — ۰ ۰ — — ۰ ۰ — — ۰ ۰ —

فاعلاتن فعلاتن فعلن

— ۰ ۰ | — — ۰ ۰ | — — ۰ ۰ | — — ۰ ۰

— ۰ ۰ | — — ۰ ۰ | — — ۰ ۰ | — — ۰ ۰

فاعلاتن فعلاتن فعلن

همان طور که ملاحظه می کنید در رکن اول مصرع اول این بیت به جای فعلاتن از فاعلاتن استفاده شده است و در رکن اول مصرع دوم همان فعلاتن است البته این اختیار بسیار پرکاربرد است، گاهی در تمام مصرع های یک شعر از این اختیار استفاده می شود. حال به بیت زیر توجه کنید.

منم و راه و رسم تازه ی گل تا گشایم زبان آتش دل

مَ | نَ | مَ | رَا | هُ | رَسْمِ | مَ | تَا | زِ | یِ | گَلِ |

— ۰ ۰ — ۰ ۰ — ۰ ۰ — ۰ ۰ —

تَا | گِ | شَا | یِمِ | زَ | بَا | نِ | آ | تِ | شِ | دَلِ

— ۰ ۰ — ۰ ۰ — ۰ ۰ — ۰ ۰ —

فاعلاتن مفاعلتن فعلات

— ۰ ۰ | — ۰ ۰ — ۰ ۰ | — — ۰ ۰

— ۰ ۰ | — ۰ ۰ — ۰ ۰ | — — ۰ ۰

فاعلاتن مفاعلتن فعلات

ملاحظه می کنید در مصرع اول، رکن اول فعلاتن (۰ ۰ — —) است در حالیکه در مصرع دوم، رکن اول فاعلاتن (— ۰ ۰ —) است و شاعر از این اختیار استفاده کرده است.

توجه داشته باشید که اگر در رکن اول وزنی فعلاتن به فاعلاتن تبدیل شد نام وزن تغییر نمی کند فقط شاعر از یک اختیار استفاده کرده است.

۳- آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه

شاعر می تواند در میانه ی مصرع به جای دو هجای کوتاه کنارهم یک هجای بلند بیاورد

— ۰ ۰ — — | ۰ ۰ | — — ۰ ۰

— — | — — — | — — — ۰ ۰

همان طور که در نمونه های بالامی بینید در رکن های دوم و سوم در مصرع دوم به جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند آمده است و فعلاتن رابه مفعولن تبدیل کرده است به نمونه ی زیر توجه کنید.

هر چه داری اگر به عشق دهی کافر مگر جوی زیان بینی

هر | چ | دا | ری | ا | گر | ب | عش | ق | د | هی |

— — — — —

کا | ف | رم | گر | ج | وی | ز | یان | بی | نی |

— — — — —

فاعلاتن مفاعِلن فَعَلن

— — — — —

— — — — —

فاعلاتن مفاعِلن فَع لِن

ملاحظه می کنید که هجاهای نهم و دهم در مصراع اول کوتاه هستند در حالیکه در مصراع دوم به جای آنها یک هجای بلند آورده است.

گل به سلام چمن آمد بهار که به سپاس آمد گل پیش خار

گل | ب | س | لا | م | چ | م | نا | مد | ب | هار

— — — — —

که | ب | س | پا | سا | مد | گل | پی | ش | خار

— — — — —

مفتعلن مفتعلن فاغلن

— — — — —

— — — — —

مفتعلن مفعولن فاغلن

می بینید که در مصراع اول هجاهای ششم و هفتم کوتاه هستند و در مصراع دوم به جای آن ها یک هجای بلند آمده است .  
[البته در هجای پنجم هم از اختیار بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه استفاده شده است]

باید توجه کنید که در صورتی که این ابدال اتفاق افتاده باشد معمولاً تعداد هجاهای یکی از مصراع ها کمتر از دیگری است در مثال بالا مصراع اول یازده هجاست در حالیکه مصراع دوم ده هجاست. هر گاه در تقطیع متوجه شدید که تعداد هجاهای یک مصراع از دیگری بیشتر است بدانید که به احتمال قوی از اختیار ابدال استفاده شده است.

نماند تبری در ترکش قضا که فلک سوی دلم به سر انگشت امتحان نگشود

ن | ماند | تی | ری | در | تر | ک | ش | ق | ضا | ک | ف | لک

— — — — —

سو | ی | د | لم | ب | س | رن | گش | ت | ام | ت | حان | ن | گ | شود

— ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ —

مفاعِلن مفعولن مفاعِلن فَعَلن

— ۰ — | — ۰ ۰ — | — — — | — ۰ — ۰

— ۰ — | — ۰ — ۰ — | — — ۰ ۰ — | — ۰ — ۰

مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فَعَلن

در این بیت از اختیارات زیادی استفاده شده است اگر توجه کنید در هجای اول مصراع دوم از کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند و در هجای دوم همان مصراع از بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه استفاده شده است و در مصراع اول به جای هجاهای پنج و شش که کوتاه هستند یک هجای بلند آورده شده است و فعلاَتِن به مفعولن بدل شده است. در عین حال در هجای نهم مصراع اول هم از بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه استفاده شده است.

٤- قلب: این اختیار چنان است که اگر ضرورت ایجاد کرد شاعر می تواند دو هجای بلند و کوتاه (— ۰ / ۰ —) کنار هم را جابه جا کند. از این اختیار بسیار کم استفاده کرده اند و تنها در وزن رباعی یا به قولی بحر ترانه از آن نسبتا زیاد استفاده شده است. البته در وزن های مفعِلن (— ۰ ۰ —) و مفاعِلن (— ۰ — ۰ —) هم از آن استفاده کرده اند.

-اگر در وزن مفعِلن دو هجای اول را جابه جا کنیم به مفاعِلن تبدیل می شود. (— ۰ ۰ — ← — ۰ — ۰ —)

-اگر در وزن مفاعِلن دو هجای اول را جابه جا کنیم به مفعِلن تبدیل می شود. (— ۰ — ۰ — ← — ۰ ۰ —)

-اگر در مستفعل (— ۰ ۰ —) هجاهای دوم و سوم را جابه جا کنیم به فاعلاَت (— ۰ — ۰ —) تبدیل می شود

به نمونه های زیر توجه کنید:

کیست که پیغام من به شهر شروان برد یک سخن از من بدان مرد سخندان برد

کیست | ک | پی | غا | م | من | ب | شه | ر | شر | وان | ب | رَد |

— ۰ — — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ —

یک | س | خ | ن | ز | من | ب | دان | مر | د | س | ا | خ | ن | دان | ب | رَد |

— ۰ — — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ —

مفعِلن فاعِلن مفاعِلن فاعِلن

— ۰ — | — ۰ — | — ۰ — | — ۰ —

— ۰ — | — ۰ — | — ۰ — | — ۰ —

مفعِلن فاعِلن مفعِلن فاعِلن

همان طور که می بینید در رکن سوم مصراع اول، مفعِلن، فاعِلن شده و به مفاعِلن تبدیل شده است حال عکس آن را در بیت زیر ببینید.

سینه ی خاقانی و غم تا نزند ز وصل دم دعوی عشق و وصل هم تا زسگان کیست او

سی | ن | ی | خا | قا | ن | ی | غم | تا | ن | ز | ند | ز | وصل | دم |

— ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ —

دع | و | ی | عش | ق | وصل | هم | تا | ز | س | گ | ن | کیست | او

— ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ — ۰ —

مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن

— ۰ — ۰ — | — ۰ — ۰ — | — ۰ — ۰ — | — ۰ — ۰ —

— ۰ — ۰ — | — ۰ — ۰ — | — ۰ — ۰ — | — ۰ — ۰ —

مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن

همان طور که ملاحظه می کنید در رکن دوم مصراع اول مفاعلن در اثر قلب به مفتعلن تبدیل شده است.

در وزن رباعی هم این اختیار کاربرد دارد که طی آن مستفعلُ به فاعلاتُ تبدیل می شود.

— ۰ — ۰ — ← ۰ — ۰ — ]

یاران موافق همه از دست شدند در پای اجل یکان یکان پست شدند

یا | را | ن | م | وا | فق | ه | م | از | دست | ش | د | ند |

— ۰ — ۰ — — ۰ — ۰ — — ۰ — ۰ — — ۰ — ۰ — —

در | پا | ی | ا | جل | ی | کان | ی | کان | پست | ش | دند

— ۰ — ۰ — — ۰ — ۰ — — ۰ — ۰ — — ۰ — ۰ — —

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع

| — ۰ — ۰ — — | — ۰ — ۰ — — | — ۰ — ۰ — —

| — ۰ — ۰ — — | — ۰ — ۰ — — | — ۰ — ۰ — —

مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلُ فع

ملاحظه می کنید که در رکن دوم مصراع دوم مستفعلُ به فاعلاتُ تبدیل شده است و اختیار قلب مورد استفاده‌ی شاعر بوده است